نقد

نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتوارگی - نقد ایدئولوژی

https://naghd.com

دفترهای پژوهشی مارکس و جهانی‌سازی

نقدوبررسی کتاب لوسیا پرادلا، *جهانی‌سازی و نقد اقتصاد سیاسی*:

دریافت‌های جدید از نوشته‌های مارکس

فرد موزلی

ترجمه‌ی: کاووس بهزادی

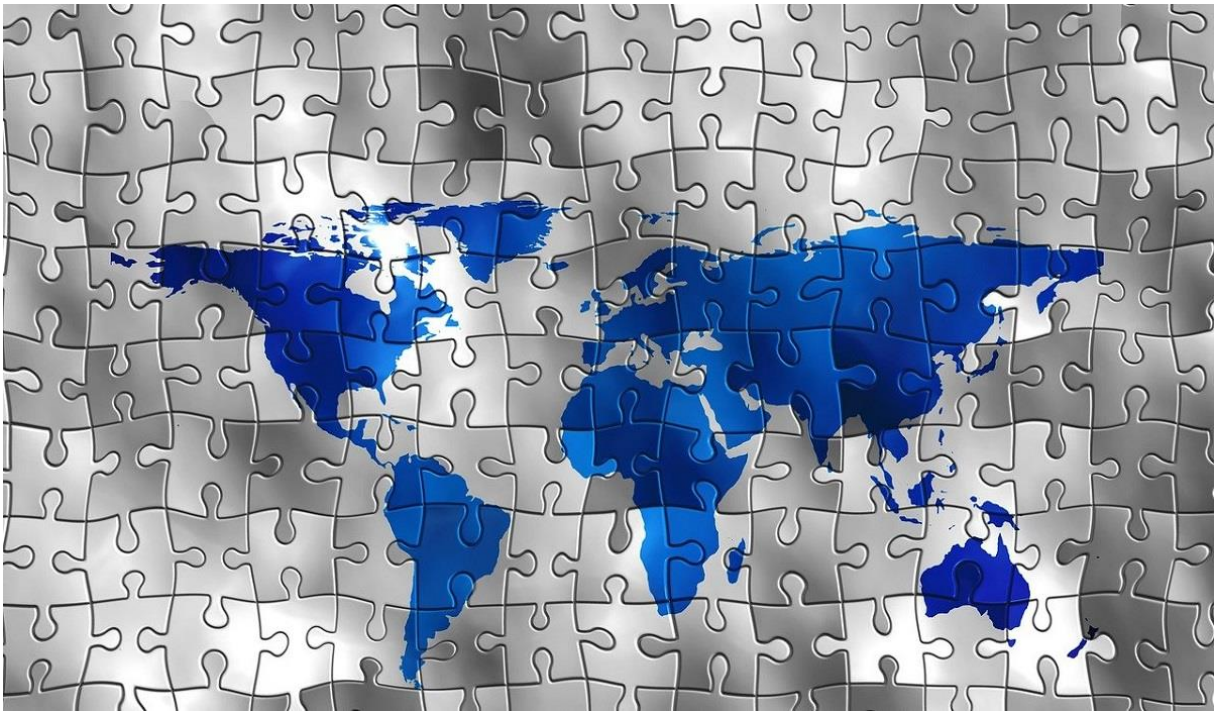

بهمن ۱۴۰۰

لوسیا پرادلا در این کتاب پیشتازانه دفترهای پژوهشی مارکس را واکاوی می‌کند که در سال‌های اخیر برای نخستین‌بار در مجموعه‌ی عظیم آثار مارکس ـ انگلس (مگا) منتشر شدند (در مجموع ۱۱۰ مجلد برنامه‌ریزی شده که تاکنون ۶۹ مجلد از آن‌ها منتشر شده‌اند). دفترهای پژوهشی مارکس بخش چهارم مگا («گفتاوردها، گزیده‌برداری‌ها و حاشیه‌نویسی‌هایی») است که برای ۳۲ مجلد برنامه‌ریزی شده که تاکنون ده مجلد آن منتشر شده است. مرکز توجه پرادلا مجلدهای ۲ تا ۱۱ مربوط به سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۸۵۳ هستند (مجلدهای ۵، ۱۰، ۱۱ هنوز منتشر نشده‌اند اما پرادلا آن‌ها را در آکادمی علوم و علوم انسانی برلین ـ براندن‌بورگ در برلین مطالعه کرده است، در محلی که آن‌ها مورد بازبینی قرار می‌گیرند و برای چاپ آماده می‌شوند). او به‌ویژه بر مجلدهای ۷ و ۱۱ این بخش مگا تاکید می‌کند که مربوط به سال‌های ۱۸۵۰ و ۱۸۵۳ هستند و به دفترهای لندن معروف شده‌اند. کتاب پرادلا نخستین توصیف به زبان انگلیسی از محتویات این دفترچه‌های اولیه است و امکان مطالعه‌ی عمیق‌تر رشد اندیشه‌ی مارکس را در دهه‌ی ۱۸۴۰ و اوایل دهه‌ی ۱۸۵۰ فراهم می‌آورد.

در ابتدا توضیح مختصری پیرامون پس‌زمینه مگا می‌دهیم. در کنار بخش چهارم مگا که حاوی دفترهای مارکس است، سه بخش دیگر وجود دارند: ۱. آثار، مقالات و پیش‌نویس‌ها؛ ۲. دست‌نوشته‌های اقتصادی؛ و ۳. نامه‌ها. بخش دوم (۲۳ مجلد) به‌ویژه بسیار مهم و شامل تمامی پیش‌نویس‌های *سرمایه* است: *گروندریسه* (۱۸۵۷ ـ ۸)، *پیرامون نقد اقتصاد سیاسی* (۱۸۵۹)، *دست‌نوشته‌ی اقتصادی ۱۸۶۱ ـ ۱۸۶۳*، *دست‌نوشته‌ی اقتصادی ۱۸۶۴ ـ ۱۸۶۵* و نسخه‌های نهایی منتشرشده‌ی جلد یک *سرمایه* (این بخش به‌طور کامل منتشر شده است). حدود ۵۰ مجلد از ۱۱۰ مجلد مجموعه‌ی آثار مارکس ـ انگلس (MECW) به انگلیسی ترجمه و در انگلستان توسط لارنس و ویشارت و در ایالات متحده‌ی آمریکا توسط ناشران بین‌المللی منتشر شده‌اند. مهم‌ترین مطالب جدید به زبان انگلیسی عبارتند از کل *دست‌نوشته‌ی ۱۸۶۱ ـ ۱۸۶۳*، *نظریه‌های ارزش اضافی* که قبلاً منتشر شده بودند (حدود دو سوم کل دست‌نوشته از میانه‌ی آن)، و هم‌چنین دومین پیش‌نویس مجلد نخست *سرمایه* در ابتدای دست‌نوشته‌ها (MECW، جلد ۳۰) و نخستین پیش‌نویس بخش‌هایی از مجلد سوم [*سرمایه*] تا پایان (MECW، جلد ۳۳).

متأسفانه مجموعه آثار مارکس ـ انگلس به زبان انگلیسی دربرگیرنده‌ی مجلدهای بسیار مهمی در بخش دوم نیست، ازجمله دست‌نوشته‌ی اصلی برای مجلد سوم *سرمایه* (مجلد II/4.2) که فریدریش انگلس همان‌طور که می‌دانیم جهت انتشار مجلد سوم *سرمایه*، آن را بسیار تغییر داد. خوشبختانه این مجلد مدتی

پیش جدا از MECW به زبان انگلیسی ترجمه و توسط انتشارات بریل منتشر شد.[۱] متأسفانه هیچ‌یک از مجلدهای بخش چهارم مگا درباره‌ی دفترهای مارکس در MECW گنجانده نشده‌اند.

دفترهای مارکس در بخش چهارم پرتو نوینی بر فرآیند پژوهش ژرف و توان‌فرسای او می‌افکنند. مارکس در تمام زندگی بزرگ‌سالی‌اش گزیده‌برداری‌ها و گفتاوردهای گسترده‌ای را چه از تمام کتاب‌های «نظری‌ای» که می‌خواند، چه از کتاب‌های تاریخ اقتصاد و وضعیت اقتصادی آن‌دوره جمع‌آوری کرده بود (به‌ویژه گزیده‌برداری‌ها و گفتاوردهای متأخرتر پیرامون بحران‌های اقتصادی ۱۸۵۷ و ۱۸۶۷)، (این کار مدت‌ها قبل از اختراع دستگاه کپی انجام گرفت که طبیعتاً می‌توانست چنین پژوهش‌هایی را سهل‌تر کند). نمونه‌ی برجسته و قابل‌توجهی که از طریق کتاب پرادلا از آن اطلاع پیدا کردم این است که مارکس از سپتامبر ۱۸۴۶ تا دسامبر ۱۸۴۷ از کتاب پنج جلدی تاریخ اقتصادی جهان با عنوان (ترجمه‌شده از آلمان) *توصیف تاریخی تجارت، صنعت و کشاورزی مهم‌ترین کشورهای تجاری* که بین سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۹۴۵ توسط گوستاو فون گولیخ، سرمایه‌دار آلمانی و تاریخ‌نویس غیرحرفه‌ای و نه چندان مشهور منتشر شده بود، به گزیده‌برداری و یادداشت‌نویسی پرداخت. گزیده‌ها و یادداشت‌های مارکس در مگا مجلد IV/6 منتشر شده‌اند که بالغ بر ۹۰۰ صفحه هستند! این دفترها مدت کوتاهی پس از نگارش *ایدئولوژی آلمانی* توسط مارکس و انگلس که در آن جهان‌بینی‌شان را از ماتریالیسم تاریخی و شالوده‌ی مادی جامعه و تاریخ تبیین کردند، نوشته شدند. این مجلد نشان‌گر کار و تلاش جدی و توان‌فرسای مارکس برای نائل‌شدن هر چه سریع‌تر به تازه‌ترین سطح تاریخ اقتصادی جهان است.

کتاب پارادلا شامل شش فصل است: (۱) «جهانی‌سازی: بین اقتصاد و سیاست» (نقدوبررسی اقتصاد سیاسی کلاسیک پیرامون موضوع جهانی‌سازی)؛ (۲) «هگل، امپریالیسم و تاریخ جهان» (با تاکید بر درک اروپامحور هگل از تاریخ)؛ (۳) «نقد مارکس از دولت تا اقتصاد سیاسی» (دفترهای دهه‌ی ۱۸۴۰)، (۴) «دفترهای لندن، ۱۸۵۳ـ۱۸۵۰»، (۵) «به‌سوی سرمایه» (از *گروندریسه* تا *سرمایه*)؛ و (۶) نتیجه‌گیری. فصل چهارم درباره‌ی دفترهای لندن که مورد علاقه‌ی این خواننده قرار گرفته و از آن مطالب زیادی یاد گرفتم، به‌نظرم مهم‌ترین فصل این کتاب است. این کتاب هم‌چنین حاوی پیوستاری بسیار جالب و مفید است شامل فهرست دقیق دفترهای لندن و مهم‌ترین آثار و دیگر منابعی که مارکس مطالعه و از آن‌ها گزیده‌برداری کرد. این کتاب هم‌چنین حاوی نمایه‌ای جامع و کتاب‌شناسی گسترده است.

مرکز توجه پارادلا در بررسی این دفترها بر خصلت جهانی و بین‌المللی نظریه‌ی مارکس استوار است. او با عطف به این دفترها برعلیه آن نظریاتی استدلال می‌کند [۲]که برمبنای آن‌ها نظریه‌ی مارکس با اقتصاد

ملی (یعنی اقتصاد انگلستان) آغاز می‌شود و فقط بعدها مناسبات بین‌المللی را در پایان نظریه‌اش (در سه کتاب آخر در برنامه‌ی اولیه‌ی ۶ کتاب مارکس) مدنظر گرفته است. پارادلا استدلال می‌کند که این دفترها شواهدی ارائه می‌کنند که مارکس از همان آغاز، نظریه‌اش را پیرامون سرمایه‌داری در سطح جهانی بسط داد. یکی از مهم‌ترین استدلال‌های او این است که نقد مارکس از نظریه‌ی کمّیت پول در ابتدای دفترهای لندن گامی مهم در بسط نظریه‌ی ارزش او به‌عنوان یک نظریه‌ی جهانی بود. او استدلال می‌کند که مارکس از این نقد نظریه‌ی کمّی به این نتیجه رسید که آغازگاه نظریه‌ی ارزش او نباید پول (مانند نظریه‌ی کمّیت) بلکه کالا و سپهر انتزاعی گردش باشد.[۳] مارکس بعدها در *پیرامون* و در *سرمایه* پول را از گردش کالاها استنتاج کرد و یکی از کارکردهای پول که موردبحث قرار گرفت همانا *پول جهانی* بود که آشکارا ابعاد بین‌المللی نظریه‌ی ارزش و پول مارکس را نشان می‌دهد.

هم‌چنین پارادلا قیمت‌های تولید (که ارزش کالاها به‌محض شکل‌گیری نرخ میانگین سود به آن تبدیل می‌شوند) را بر حسب توزیع ارزش اضافی در اقتصاد جهانی تفسیر می‌کند. او استدلال می‌کند که مارکس از این فرض حرکت کرد که نرخ سود (با محدودیت‌هایی) در تمام کشورهای با اقتصاد سرمایه‌داری گرایش به هم‌ترازی دارد که منطبق با نظریه‌ی ارزش کار، *انتقال ارزش اضافی* از کشورهایی با میانگین ترکیب سرمایه‌ی نازل‌تر (مثلاً کشورهای پیرامونی) به کشورهایی با میانگین ترکیب سرمایه‌ی بالاتر (مثلاً کشورهای مرکز) رخ می‌دهد.[۴] او استدلال می‌کند که این انتقال ارزش اضافی از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی است.

پارادلا هم‌چنین استدلال می‌کند که این دفترها نشان می‌دهند که مارکس عناصر مهمی از اقتصاد جهانی را در نظریه‌ی خود درباره‌ی انباشت سرمایه و بحران، شامل تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش استعمارگرایانه گنجاند. مارکس به‌ویژه به واکاوی این مساله پرداخت که چگونه تجارت بین‌المللی می‌تواند از طریق تأمین مواد خام ارزان‌تر بر نرخ سود تأثیر بگذارد و چگونه می‌تواند بر مشکل سرریز تولید از طریق گشایش بازارها غلبه کند و چگونه سرمایه‌گذاری جهانی می‌تواند منفذی برای سرمایه‌ی مازاد در کشورهای مرکز باشد. مارکس هم‌چنین جنبش‌های ضداستعماری را به‌ویژه در هند و چین مطالعه کرد و از این مطالعات نتیجه گرفت که این جنبش‌ها می‌توانند بحران در کشورهای مرکز را وخیم‌تر کنند و امکان بروز بحران (و انقلاب) را در این کشورها افزایش دهند.

علاوه بر این، پارادلا استدلال می‌کند که مطالعه‌ی مارکس پیرامون استعمار و جنبش‌های ضداستعماری در دفترهای لندن، نظرات او را پیرامون انقلاب تغییر داد. در دهه‌ی ۱۸۴۰، نظرات مارکس پیرامون

انقلاب نسبتاً اروپامحور بود ــ بدین‌معنا که انقلاب‌های ضدسرمایه‌داری در کشورهای «پیش‌رفته» رخ می‌دهند و کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته نقش کم‌تری در انقلاب ایفاء می‌کنند، یا اساساً هیچ نقشی در این زمینه ایفاء نمی‌کنند. کوین اندرسون استدلال کرد که مارکس تا اواخر دهه‌ی ۱۸۵۰ نظرات اروپامحورش را پیرامون انقلاب تغییر نداد.[۵] اما پرادلا استدلال می‌کند که مارکس در اوائل دهه‌ی ۱۸۴۰ در نتیجه‌ی مطالعاتش در دفترهای لندن شروع به تغییردادن نظرات خود کرد. به‌ویژه مارکس کشف کرد که بیش‌تر مناطق روستایی هند به صورت جماعات روستایی با سنت قوی برابری‌طلبی و دمکراسی سازمان‌یابی شده‌اند. این کشفیات در بازه‌ی زمانی کوتاهی منجر به تغییر اندیشه‌ورزی او پیرامون انقلاب شد.

من به‌ویژه به نظریه‌ی پول مارکس علاقه‌مند هستم، موضوعی که به‌تفصیل در دفترهای لندن به آن پرداخته شده و مورد تاکید پرادلا قرار گرفته است. تقریباً دو مجلد از پنج مجلد دفترهای لندن به مسائل پولی (پول، بانکداری، اعتبار، پول رایج، نرخ‌های تسعیر و غیره) می‌پردازند. من قبلاً به نقد مارکس از نظریه‌ی کمیت پول در ابتدای دفترها اشاره کردم که دربرگیرنده‌ی مطالعاتی پیرامون مساله‌ی مناقشه‌برانگیز شمش (که در جریان آن دیوید ریکاردو نظریه‌ی کمیت را عمومیت بخشید)، توماس توک و جان فولارتون (منتقدان اصلی نظریه‌ی پولی ریکاردو)، قانون بانک ۱۸۴۴ و سایر موضوعات مرتبط است. مارکس هم‌چنین کتاب‌های متعددی را پیرامون بانکداری مطالعه کرد. مارکس آشکارا در اوان این سال‌ها به‌طور جدی برای تسلط و آگاهی از جزئیات نظام بانکی انگلیس کار کرد تا نظریه‌ی خود را پیرامون پول تبیین کند.

هم‌چنین نکته‌ی قابل‌توجه این است که مارکس در این سال‌ها طرح «پولِ کار» جان گری را به‌عنوان راه‌کاری برای برطرف‌کردن تناقضات سرمایه‌داری مطالعه کرد که چند سال قبل از آن در سخنرانی‌هایی پیرامون ماهیت و استفاده از پول (۱۸۴۸) منتشر شده بود. چند سال بعد (۱۸۵۶) طرح مشابهی توسط آلفرد داریمون، یکی از پیروان پی‌یر- ژوزف پرودون ارائه شد (هم‌هنگام با بحران ۱۸۶۷) که الهام‌بخش مارکس برای نوشتن *گروندریسه* بود.

انتقاد اصلی من به کتاب پرادلا این است که فکر می‌کنم او سطوح تجرید *سرمایه به‌طور عام* و *رقابت* را در نظریه‌ی مارکس به اشتباه تفسیر می‌کند. این امر نکته‌ی مهمی برای پرادلا نیست، اما این سطوح تجریدْ ساختارِ منطقی بُن‌پایه‌ی نظریه‌ی مارکس در سه مجلد *سرمایه* هستند و درنتیجه مهم است که آن‌ها را به‌درستی درک کنیم. من در مقالات متعددی استدلال کرده‌ام که سطوح تجرید سرمایه به‌طور عام و رقابت در نظریه‌ی مارکس متناظر با نظریه‌ی *تولید ارزش اضافی* (سرمایه به‌طور عام در مجلدات

یک و دو) و نظریه‌ی *توزیع* ارزش اضافی (رقابت در مجلد سوم) است.[۶] پیش‌فرض کمّی تعیین‌کننده‌ی این روش منطقی این است که *کل مقدار ارزش اضافی* تولیدشده در کل اقتصاد بدواً در سطح تجرید سرمایه به‌طور عام تعیین می‌شود و تعیّن منطقی قبل از تقسیم کل ارزش اضافی به *بخش‌های مجزا* (سود میانگین، سود تجاری، بهره و رانت) در سطح تجرید رقابت انجام می‌گیرد.

فکر می‌کنم پرادلا با این تفسیر از پیش‌فرض کمّی کلیدی در نظریه‌ی مارکس موافق است زیرا به‌نظر می‌رسد که این رابطه‌ی منطقی بین تولید و توزیع ارزش اضافی را در بحث پیرامون انتقال ارزش اضافی از کشورهای پیرامونی (تولیدکننده‌ی ارزش اضافی) به کشورهای مرکز (تصاحب‌کننده‌ی ارزش اضافی) می‌پذیرد (همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد). اما او بین این درک از تولید و توزیع ارزش اضافی با سطوح تجرید سرمایه به‌طور عام و رقابت پیوندی برقرار نمی‌کند. بلکه استدلال می‌کند که *مفهوم* سرمایه به‌طور عام در درجه‌ی نخست منفک از رقابت تبیین می‌شود و بنابراین «کلیتی تهی [بدون معنای مشخص]» است. اما (او استدلال می‌کند) که مارکس بعدها در دست‌نوشته‌ی ۱۸۶۱ ـ ۱۸۶۳ مفهوم سرمایه به‌طور عام را بسط داد تا رقابت را در بر بگیرد.[۷]

من مطمئن نیستم که منظور پرادلا از «مفهوم سرمایه را به‌طور عام بسط داد تا رقابت را دربربگیرد» چیست، اما اگر منظور او این است که سطح تجرید سرمایه به‌طور عام بسط یافت تا رقابت را در بربگیرد، با نظر او کاملاً مخالفم. سطوح تجرید سرمایه به‌طور عام و رقابت بایستی از یک‌دیگر منفک شوند، چرا که تولید ارزش اضافی بایستی قبل از توزیع آن نظریه‌پردازی شود. سرمایه به‌طور عام در *گروندریسه* «کلیتی تهی [بدون معنای مشخص]» نیست، بلکه نظریه‌ای است بسیار اساسی پیرامون تولید ارزش اضافی که نخستین مرحله‌ی ضروری نظریه‌ی مارکس برای نظریه‌ی بعدی پیرامون توزیع ارزش اضافی در مرحله‌ی دوم است.

دست‌نوشته‌ی ۱۸۶۱ ـ ۱۸۶۳ با سطح تجرید سرمایه به‌طور عام (پیش‌نویس دوم نظریه‌ی مارکس پیرامون تولید ارزش اضافی) آغاز می‌شود، اما به‌تدریج (و تاحدودی تصادفی) پا به‌عرصه‌ی موضوعات متعلق به رقابت (سود میانگین، رانت، بهره، سود تجاری) می‌گذارد و برای نخستین‌بار نظریه‌اش را پیرامون توزیع ارزش اضافی بسط می‌دهد.[۸] بنابراین تغییر برنامه‌ی مارکس در پایان دست‌نوشته‌ی ۱۸۶۱ ـ ۱۸۶۳ به این دلیل نبود که او تصمیم گرفت مفهوم موردنظر خود را از سرمایه به‌طور عام بسط دهد تا دربرگیرنده‌ی این عناصر [سازه‌های] رقابت باشد، بلکه بیش‌تر او در این دست‌نوشته در نظریه‌اش پیرامون توزیع تا آن حد پیشرفت کرده بود که واقع‌بینانه تصمیم گرفت که این بخش از نظریه‌اش را در

مجلد سوم برنامه‌ریزی‌شده‌اش بگنجاند، به‌جای آن‌که منتظر مجلد جداگانه‌ی بعدی شود (که شاید هرگز عملی نشود). ساختار منطقی نظریه‌ی مارکس تغییری نکرد؛ او فقط بخش پیرامون رقابت را سریع‌تر از آن‌چه انتظار داشت به‌رشته‌ی تحریر درآورد. بنابراین امیدوارم که پرادلا تفسیرش از سرمایه به‌طور عام، و رقابت، را مورد بازاندیشی قرار دهد و آن را با درک خود از تولید و توزیع ارزش اضافی در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری پیوند دهد.

می‌توانیم عجالتاً به‌عنوان جمع‌بندی بگوئیم که این کتاب بسیار ارزشمند است و بی‌گمان مشوق پژوهش‌های بیش‌تری پیرامون دفترهای یادداشت مارکس در بخش چهارم مگا خواهد بود. من از خواندن این کتاب چیزهای زیادی یاد گرفتم و مطمئن هستم که این امر در مورد سایر پژوهش‌گران مارکسیست نیز صادق خواهد بود. ترجمه‌ی برخی از این دفترهای یادداشت بسیار جالب و مهم، باید از اولویت مبرم مارکسیست‌های انگلیسی زبان باشد.

منبع:

https://isj.org.uk/marxs-research-notebooks-and-globalisation/

یادداشت‌ها:

[1] Marx, Karl, 2016 [1864-65], *Marx' Economic Manuscript of 1864-65, übersetzt von Ben Fowkes* (Brill).

[۲]. مثلا بنگرید به

Harvey, David, 2003, *The New Imperialism* (Oxford University Press).

[3] Pradella, Lucia, 2014, *Globalization and the Critique of Political Economy: New Insights from Marx's Writings* (Routledge), S. 98.

[4] Pradella, Lucia, 2014, *Globalization and the Critique of Political Economy: New Insights from Marx's Writings* (Routledge)S. 153.

انریک دوسل به‌دلیل ترکیب نابرابر سرمایه و هم‌ترازی جهانی نرخ سود، تفسیر مشابهی از انتقال ارزش اضافی از کشورهای پیرامونی به کشورهای مرکزی ارائه کرده است. او این انتقال جهانی ارزش اضافی را «جوهر وابستگی و توسعه‌نیافتگی» می‌نامد.

Dussel, Enrique, 2001, *Towards an Unknown Marx: A Commentary on the Manuscripts of 1861-63* (Routledge), chapter 13.

[5] Anderson, Kevin, 2010, *Marx at the Margins: On Nationalism, Ethnicity, and Non-Western Societies* (Chicago University Press).

[6] Moseley, Fred, 2002, „Hostile Brothers: Marx' Theory of the Distribution of Surplus-value in Volume 3 of *Capital* ", in Geert Reuten und Martha

Campbell (Hrsg.), *The Culmination of Capital: Essays on Volume Three of Marx' Capital* (Palgrave .)). Moseley, Fred, 2009, „The Development of Marx' Theory of the Distribution of Surplus-Value in the Manuscript of 1861-63", in Riccardo Bellofiore und Roberto Fineschi (Hrsg.), *Re-reading Marx: New Perspectives after the Critical Edition* (Palgrave). Moseley, Fred, 2011, „Das Ganze und die Teile: Die frühe Entwicklung der Marxschen Theorie der Mehrwertverteilung in den *Grundrissen* ", *Wissenschaft und Gesellschaft* , Band 75, Nummer 1.

[7] Pradella, Lucia, 2014, *Globalization and the Critique of Political Economy: New Insights from Marx's Writings* (Routledge), p145.

[۸]. جهت کنکاش جدی این دست‌نوشته بنگرید به:

Moseley, Fred, 2009, "The Development of Marx's Theory of the Distribution of Surplus-Value in the Manuscript of 1861-63", in Riccardo Bellofiore and Roberto Fineschi (eds), *Re-reading Marx: New Perspectives after the Critical Edition* (Palgrave).

منابع:

Anderson, Kevin, 2010, *Marx at the Margins: On Nationalism, Ethnicity, and Non-Western Societies* (Chicago University Press).

Dussel, Enrique, 2001, *Towards an Unknown Marx: A Commentary on the Manuscripts of 1861-63* (Routledge).

Harvey, David, 2003, *The New Imperialism* (Oxford University Press).

Marx, Karl, 2016 [1864-65], *Marx's Economic Manuscript of 1864-65, translated by Ben Fowkes* (Brill).

Moseley, Fred, 2002, "Hostile Brothers: Marx's Theory of the Distribution of Surplus-value in Volume 3 of *Capital*", in Geert Reuten and Martha Campbell (eds), *The Culmination of Capital: Essays on Volume Three of Marx's Capital* (Palgrave).

Moseley, Fred, 2009, "The Development of Marx's Theory of the Distribution of Surplus-Value in the Manuscript of 1861-63", in Riccardo Bellofiore and Roberto Fineschi (eds), *Re-reading Marx: New Perspectives after the Critical Edition* (Palgrave).

Moseley, Fred, 2011, "The Whole and the Parts: The Early Development of Marx's Theory of the Distribution of Surplus-value in the *Grundrisse*", *Science and Society*, volume 75, number 1.

Pradella, Lucia, 2014, *Globalization and the Critique of Political Economy: New Insights from Marx's Writings* (Routledge).